ریشه‌یابی کردها و زبانشان

عباس جوادی

در سالهای ۱۹۳۰ مسئولان جمهوری جوان ترکیه، کشوری که از میان خاک و خون و جنگ رسته بود، کارزاری فرهنگی، سرتاسری و ملی را آغاز کردند که به دو تئوری استوار بود: «تئوری آفتاب زبان» و «تز تاریخ ترکی» (۱). طبق این تئوریها که به ادعاهائی من درآوردی، خیالی و حتی خنده‌دار متکی بودند، دولت ترکیه از طریق تمام موسسات خود تبلیغ می‌کرد که یکم: زبان ترکی منشاء همه زبانهای دنیاست و باستانی‌ترین زبان تاریخ است و دوم: ترکها اولین قوم متمدن جهان بودند که در تاریخ باستان زمینه را برای پیدایش تمدنهای بزرگی مانند سومر، مصر، یونان و ایران آماده کردند. آن تئوریهای ابتدای دولت ترکیه که بیشتر برای تحکیم روحیه مردم بود، بعد از ۲۰-۱۰ سال عملا به فراموشی سپرده شد. امروز در ترکیه دیگر کسی آن تئوریها را یا به یاد ندارد و یا جدی نمی‌گیرد اگر چه تاثیرات این «فرهنگ‌سازی» در بین مردم هنوز کاملا از بین نرفته است.

به نظر می‌رسد در قرن بیستم و بخصوص در همین ۲۰-۱۰ سال گذشته به موازات کامیابیهای نظامی و سیاسی نیروهای کُردی در عراق و سوریه، این بار کوشش می‌شود برای یک دولت و ملت مستقل و قدرتمند کرد، تاریخ و شناسنامه وزین و پراعتباری ساخته شود. این کوششی است در اصل بسیار طبیعی که مردم کرد بی‌شک لایق آن‌اند. اما این کوششها که ظاهرا به یک جریان اجتماعی-فرهنگی و تبلیغاتی فراگیر تبدیل شده‌اند آنقدر به اغراق و گزافه‌گوئیهای خیالی میل می‌کنند که ممکن است بعد از مدتی به سرنوشت مشابهی مانند تئوریهای فراموش‌شده ترکی دچار شوند.

کافی است به روزنامه‌ها، تارنماها و حتی مطالب علمی و دانشگاهی بسیاری از منابع کردی نگاهی بکنید:

مادهای کرد با مغلوب کردن آشور در سال ۶۱۲ پیش از میلاد امپراتوری بزرگ ماد را تاسیس کردند... تقویم کردی از همان سال ۶۱۲ پ.م. شروع می‌شود که نینوا، پایتخت آشور از سوی مادها تسخیر شد... مادهای باستانی کُرد بودند... زبان کردی اگرچه از شاخه زبانهای ایرانی است اما ویژگیهای کاملا جداگانه خود را دارد...» (۲).

آیا می‌توان، از لابه‌لای شور و هیجان جنگ و کامیابیهای نظامی و تبلیغاتی متناسب با آن، به واقعیتهای تاریخی و زبانشناختی هم نگاهی کرد؟

ریشه‌ای مخلوط و زبانی ایرانی

شاید ولادیمیر مینورسکی، شرقشناس معروف روسی-بریتانیائی (۱۹۶۶-۱۸۷۷) از اولین کسانی است که ریشه‌های مردم‌شناختی کردها را از نگاه تاریخی و حتی تا حدی زبانشناسی در میان گذاشت و در چاپ نخست «دایره‌المعارف اسلامی» از سال ۱۹۲۷ زیر عنوان «کردها: مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و ریشه‌شناسی تباری» نوشت که کردهای معاصر، همچون یکی از گروه‌های قومی ماد باستان، چنان آمیزه‌ای (از «تیپ»های تباری خاورمیانه) هستند که «هرگونه کوشش جهت یافتن تعریفی عمومی برای تیپ کُردی تا حد زیادی خیالبافی خواهد بود» (۳).

در سال ۱۹۶۱، یکی از شاگردان معروف مینورسکی بنام دی. ان. مکنزی که جزو معروف‌ترین متخصصین فارسی میانه (پهلوی) و زبان کردی شمرده می‌شود، مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های زبان کردی» نوشت. او در این نوشته اظهار تعجب کرد که چرا با وجود آنکه استاد مینورسکی به بسیاری ادعاهای مبالغه‌آمیز و مبهم درباره «ریشه کردها» جواب داده است، هنوز «موضع کردهای معاصر به تاریخ از یک انگیزه بسیار ساده سرچشمه می‌گیرد و آن هم نیاز به اجداد قهرمان است و از آنجا که دوره امپراتوری مادها هنوز به اصطلاح صاحبی ندارد، کردهای معاصر پنهان نمی‌کنند که می‌خواهند مادهای باستان را در این نقش ببینند» (۴).

به نظر مکنزی، افسانه‌پردازیهای مربوط به کلدانیان، اورارتوئیان و یا اقوام گوتی و کاردوئی در ماد کوچک «به طور ذاتی غیر ممکن» هستند. این در حالی است که «تنها اشاره روشن به کردها از طرف نویسندگان کلاسیک دوره باستان از سوی پولیبیوس، لیوی و استرابو انجام گرفته است که نامهای «کورتی» و «کورتوای» را ذکر کرده‌اند. دو مورخ نخستین، به این نامها فقط همچون واحدهای فلاخن انداز در لشکرهای ماد و آسیای کوچک اشاره می‌کنند، در حالی که استرابو از این گروهها همچون کوهستانیان بدوی نام می‌برد که در ماد، ارمنستان و پارس می‌زیستند. به جز این استثنای تنها، همه نشانه‌های مثبت حکایت از آن دارند که کردها مردمی از سرزمین مادها بودند، نظری که کاملا مورد تایید پروفسور مینورسکی است» (۵).

در سلسله مقالات مربوط به ماد و ماد آتروپاتن هم به تفصیل دیده‌ایم که به گواه مادشناسان معروف و به خصوص سرآمد این دسته از باستانشناسان و زبانشناسان یعنی ایگور دیاکونوف، پیش از کوچ مادها به فلات ایران کنونی و از جمله آتروپاتن و یا «ماد کوچک» متشکل از همدان، آذربایجان، کردستان و گیلان کنونی، دهها قبیله بومی این در مناطق بوده‌اند. سرزمین مادها به هیچ صورت محدود به مناطق کنونی کردنشین نبود، بلکه از ری و طبرستان تا اصفهان و همدان و از آذربایجان و کردستان و شرق آناتولی و شمال عراق تا گیلان و حتی فارس و ایلام و لرستان را دربرمی‌گرفت. حتی در «ماد کوچک» یعنی آتروپاتن بعدی نیز دهها قبیله و قوم می‌زیستند.

مادها که در اوایل هزاره یکم پ.م. به فلات ایران کنونی و از جمله آتروپاتن بعدی آمدند، از نظر قومی با دهها قبیله بومی این مناطق درآمیختند و زبانشان در مناطق مادنشین مجموعا مادی (یعنی گونه غربی و شمال غربی زبانهای ایرانی) شد.

اقوام بومی پیشاایرانی در منطقه آذربایجان، گیلان، کردستان و کرمانشاه، همدان و شمال عراق کنونی عبارت بودند از گوتیان (در آذربایجان و کردستان کنونی)، لولوبیان (کردستان، آذربایجان و شمال عراق کنونی)، تا حدی حورّیان و اورارتوئیان (پراکنده و از جمله در مناطق حواشی غربی آتروپاتن بعدی)، کاسیان (لرستان کنونی) و قبایل گیل، کادوسی و کاسپی (میان کوههای البرز و دریای کاسپین یعنی استان اردبیل و گیلان کنونی). از هیچکدام از این اقوام اثری نوشتاری بجا نمانده است. طبق استنادهائی که در منابع ثانوی (مثلا آشوری، بابلی و یا یونانی) به این قبایل شده نظر زبانشناسان و باستانشناسان درباره قومیت و زبان آنها قطعی و روشن نیست. در اوایل هزاره یکم میلادی یعنی حدودا دو هزار سال پیش منابع تاریخی دیگر اشاره‌ای به این اقوام نمی‌کنند. ظاهرا در مدت هزار سال پیش از میلاد این قبایل با مادها و دیگر قبایل منطقه (از جمله اورارتو و آشور) آمیزش یافته و زبان جدید مادی را پذیرفته‌اند.

همین زبان و یا زبانهای مادی است که در دوره پس از هخامنشیان تبدیل به گونه‌های مختلف فارسی میانه در آتروپاتن می‌شود و امروزه زبانهای گیلکی، تاتی (از جمله تاتی جنوبی، آذری باستان)، تالشی، کردی، زازاکی و گورانی مشتقات معاصر آن زبان مادی باستان هستند که با دیگر زبانهای و لهجه‌های ایرانی و به خصوص فارسی آمیزش یافته‌اند.

کردی به تنهائی باقیمانده زبان باستان مادی نیست. تصور چنین چیزی بدور از جدیت علمی است.

از نظر قومی و باصطلاح ترکیب تباری، تنها ریشه کردهای معاصر به مادها نمی‌رسد. آنها به همان درجه نوادگان مادهای گذشته و آمیزه با اقوام و تبارهای دیگر فلات ایران و شرق آناتولی–شمال عراق هستند که آذربایجانیان و مردم گیلان، مازندران، استان مرکزی، اصفهان و حتی فارس و ایلام حاملین این ترکیب قومی و تباری به شمار می‌روند.

دیاکونوف می‌نویسد: «همه می‌دانند که تقریبا هیچ یک از اقوام خاور نزدیک و دیگر نواحی اکنون به زبانی که اسلاف بلافصلشان چندین هزار سال پیش بدان متکلم بودند، سخن نمی‌گویند. در مصر زبان باستان مصری جای خود را به قبطی و سپس به یونانی و سرانجام به عربی داد، حال آنکه ساکنان آن سامان نه نابود گشتند و نه از میهن خویش رانده شدند و بلاتغییر باقی ماندند. هم چنین در عراق نیز زبانهای سومری و هوریتی به ترتیب جای خود را به آشوری - بابلی (اکدی) و آرامی و عربی سپردند. در آسیای میانه زبانهای ایرانی خوارزمی و سغدی و باکتریایی و پارتی به السنه ترکی ازبکان و قره قلپاقیان و ترکمنان تبدیل شد. تعویض متشابهی در زبانهای سرزمین ماد نیز صورت وقوع یافت. ولی تعویض زبان به هیچ وجه به معنی طرد ساکنان اصلی این سرزمینها نبوده است و بدین سبب اقوام کنونی - با اینکه زمانی به زبانهای دیگری سخن می‌گفتند - بطور کلی اخلاف مستقیم ساکنان باستانی این کشورها می‌باشند، ساکنانی که میراث فرهنگی و تاریخی و نژادی‌ای را که به اقوام کنونی رسیده، ایجاد کرده‌اند» (۶).

مکنزی بر آن است که «امروزه با رشد ناسیونالیسم کردی این نام (یعنی «کُرد») چنان بکار برده می‌شود که گویا شامل همه ملل و اقوام ساکن بین ترکها و اعراب در غرب و ایرانیان خود ایران در شرق می‌شود. این تعبیر در میان مردم ایرانی (به غیر از کردها) شامل لرها و قبایل گورانی هم گردانیده می‌شود» (۷).

ظاهرا در میان این همه اختلاط قومی و عدم امکان ریشه‌یابی مشخص قومی برای کردهای معاصر در دوران باستان، بهترین راه، باز مراجعه به زبان کردی و بررسی آن از نگاه زبانشناسی تاریخی و مقایسه‌ای است (۸).

زبان کردی (شامل لهجه‌های گوناگون شمالی، جنوبی و مرکزی آن) همانند تاتی (از جمله تاتی جنوبی و آذری باستان، تالشی، گیلکی، زازاکی، گورانی و بلوچی) یکی از زبانهای شمال غربی گروه زبانهای ایرانی است. برخی دیگر از زبانشناسان، کردی را همانند فارسی و لری جزو گروه جنوبی زبانهای ایرانی می‌شمارند. این بحث خارج از موضوع این مقاله است (۹).

گرنوت ویندفور، متخصص برجسته زبانهای ایرانی درباره اینکه بی‌شک همه زبانهای معاصر ایرانی مشتقات زبانهای باستانی پارسی باستان و مادی و دیرتر پارتی هستند، می‌گوید: «عموما حتی می‌توان بدون ارائه دلیلی از دوران پیشامدرن به راحتی حدس زد که زبانهای معاصر [ایرانی] ادامه زبانهای محلی و منطقه‌ای هستند. برای نمونه، می‌توان گفت که زبانهای [ایرانی] معاصر آذربایجان و ایران مرکزی که در ماد آتروپاتن باستان و یا ماد بزرگ قرار داشتند لهجه‌های «مادی» هستند حتی اگر چه نمونه‌های موجود مادی باستان از واژه‌های دخیل در پارسی باستان ماخوذ هستند» (۱۰).

در برخی منابع ناسیونالیستی کُردی ادعا می‌شود اگرچه کُردی جزو زبانهای ایرانی است، اما جایگاه ویژه و مشخصات مخصوص خود را در درون این خانواده دارد. مکنزی اما پس از بررسی بسیاری از گونه‌های زبانهای ایرانی درمقاله معروفش بنام «ریشه‌های زبان کردی» می‌نویسد: «وظیفه نخست من باید تعریف زبان کردی از طریق تعیین مشخصاتی باشد که آن را از دیگر لهجه‌های ایرانی متمایز می‌کند. متاسفانه باید در ابتدای این بحث اعتراف کنم که نتایجی که به آن رسیده‌ام عموما منفی هستند زیرا تقریبا در برابر هر مشخصه ویژه زبان کردی، یک مشخصه مشابه در دست کم یک لهجه دیگر ایرانی وجود دارد» (۱۱). آنگاه او در ادامه این مقاله به تحلیل و مقایسه خصوصیات دستوری و مورفولوژیک کردی با دیگر زبانهای ایرانی می‌پردازد تا با نمونه‌های مختلف نظر خود را ثابت کند که کردی نیز مانند دیگر شاخه‌های خانواده زبانهای ایرانی، یکی از این زبانهاست - مانند بلوچی و یا لُری، تاتی - آذری و یا گیلکی. بنظر مکنزی و ویندفور کُردی از نزدیک‌ترین زبانهای ایرانی به فارسی است و حتی تحت تاثیر زبان پارتی (اشکانی) بوده است که می‌دانیم ریشه‌اش در شرق دریای کاسپین بوده و در زمان اشکانیان (فارسی میانه) تقریبا همه گونه‌های زبانهای ایرانی از جمله فارسی، کردی، تاتی، زازاکی و بلوچی و گورانی را تحت تاثیر خود قرار داده است (۱۲).

طبیعتا خبر خوب این است که در سایه کامیابیهای سیاسی و نظامی سالهای اخیر و تحکیم دولتداری شبه‌مستقل کُردی در شمال عراق، زبان کردی نیز رشد بسیاری کرده و در راه استاندارد شدن و مدرنیزاسیون زبانی پیشرفت نموده است. اما نمی‌توان تجربه ترکیه سالهای ۱۹۳۰ را نادیده گرفته یادآوری نکرد که هشیاری فردا پس از سرمستی موفقیتهای امروز، می‌تواند در آینده به سرافرازیهای همگان سایه بیافکند.

زیرنویسها

(۱) جوادی، عباس: ترکی، مادر همه زبانها؟ در: چشم انداز، ایران و آذربایجان، لندن ۱۳۹۵، ص ۱۷۹-۱۸۹.

(۲) در اینجا ما نیت دادن منابع مشخص و آغاز بحثهای تدافعی و بی سرانجام را نداریم. هر جست‌وجوی اینترنتی با کلیدواژه‌هائی نظیر کردها، کردی و همچنین مادها، مادی، به زبانهای فارسی، ترکی و یا انگلیسی منابع کافی در این مورد در اختیار هر کس قرارخواهد داد. فقط همچون نمونه، در رابطه با ادعای نخست در مورد تسخیر نینوا (شمال عراق کنونی) توسط مادها در سال ۶۱۲ پ. م. بعنوان آغاز «تقویم کردی» نگاه کنید به:

MacKenzie, D. N.: The Origins of Kurdish, in: Transactions of the Philological Society, 1961, p. 69

(۳)Minorsky, V.: Kurds, Anthropology, Sociology and Ethnography; in: The Encyclopaedia of Islam, vol. V, Leiden 1927, p. 1150

(۴)MacKenize, ibid

(۵)MacKenize, ibid

(۶) دیاکونوف، ایگور: تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۴۵، ص ۹۳

(۷)MacKenize, ibid

(۸) مثلا نگاه کنید به

Bois, Th.: Kurds, History; in: The Encyclopaedia of Islam, vol. V, Leiden 1986, p. 446

(۹)Windfuhr, G.: Dialectology and Topics, in: Windfuhr, G.: The Iranian Languages, Routledge (UK,) 2009, pp. 5-42

(۱۰)Windfuhr, G.: ibid, p. 15

(۱۱)MacKenize, ibid, pp. 69-70

(۱۲)Windfuhr, G.: ibid, p. 31

برگرفته از: چشم‌انداز